

تقسيم الفقه المقارن لمذاهب أهل السنة إلى مراحل

محمد معيني فر*

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠٨/١٠ تاريخ القبول ١٣٩٩/١١/١٧ هـ ش]

ملخص القول

يعتبر الإسلام شريعة خالدة، مما يستدعى القدرة على تغطية الاحتياجات الفكرية والعلمية وبصورة خاصة طرح أجوبة حقوقية للمواضيع المستحدثة وفقاً لما يتطلبه تطور البشر والحياة البشرية. وتعتمد تغطية هذه الاحتياجات الجديدة والمستحدثة على بناء نظام حي يطور نفسه مع تطور احتياجات البشر. يطلق على هذا النظام في القانون الإسلامي اسم "الاجتهاد". ومن الطبيعي أن تؤدي جهود المجتهدين المختلفين إلى توصلهم إلى نتائج مختلفة وبالتالي إلى اختلاف في الفتوى. وأدى اختلاف الفتاوى على مدى التاريخ إلى ظهور علم الخلاف أو ما يعرف بالفقه المقارن، وعلى الرغم من أن هذا الفقه شهد الكثير من التحولات إلا أنه لم يقسم حتى الآن إلى مراحل منظمة لا في الفقه الشيعي ولا في الفقه السني. وتسعى هذه الدراسة إلى تحليل تاريخ الفقه المقارن وتسيط الضوء على تحولات تاريخ هذا الفقه. وتقترح هذه الدراسة تقسيم الفقه المقارن عند أهل السنة إلى مراحل، وتشرح التطورات التاريخية في الفقه المقارن وعوامل حصول الخلاف في الفتوى، وتحدد رواد هذا العلم ودور علم الخلاف في معالجة الخلافات الفقهية.

كلمات مفتاحية: الفقه المقارن، علم الخلاف، مراحل الفقه، التقريب بين المذاهب.

دوره‌سازی فقه تطبیقی در میان مذاهب اهل سنت

محمد معینی فر*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۷]

چکیده

اسلام به عنوان شریعت جاوید، مدعی پاسخ‌گویی به تمام نیازهای فکری و علمی، به‌خصوص ارائه پاسخ حقوقی به موضوعاتی است که به صورت نوپدید و به اقتضای پیشرفت بشر و زندگی او رخ می‌نماید. بدون شک پاسخ‌گویی به این نیازهای نوپدید به پیش‌بینی نظامی پویا وابسته است که خود را متناسب با نیازهای بشر به‌روز می‌کند. این نظام، در اصطلاح حقوق اسلامی، «اجتهاد» نامیده شده است. به طور طبیعی کوشش مجتهدان متعدد نتایجی متفاوت در اختیار آنان می‌نهد و اختلاف فتوا را پیش می‌آورد. این اختلاف فتاوا در طول تاریخ، باعث به وجود آمدن علمی با نام فقه الخلاف یا فقه تطبیقی شد که هرچند دارای فراز و فرود بسیاری بوده، تا کنون نه در شیعه و نه در اهل سنت، به صورت نظام‌مند، ادواری برای آن تدوین نشده است. پژوهش حاضر کوشیده تا با کاویدن تاریخ فقه تطبیقی، فراز و فرود تاریخ فقه مقارن را به تصویر کشد. این پژوهش ضمن ارائه پیشنهادی برای تدوین ادوار برای فقه مقارن اهل سنت، تطورات تاریخی فقه مقارن و عوامل وجود خلاف را توضیح داده، پیشگامان آن را شناسانده و به نقش این فقه در رفع تعارضات اشاره کرده است.

کلیدواژه‌ها: فقه مقارن، فقه الخلاف، فقه تطبیقی، فقه مقایسه‌ای، ادوار فقه، تقریب مذاهب.

طرح مسئله

پس از ظهور اسلام و گسترش آن در مناطق مختلف، لازم بود دستورات عملی - که در اسلام به «فروع دین» موسوم‌اند - به مردم ابلاغ شوند و این نمی‌توانست کار هر کسی باشد. به همین دلیل اشخاصی با عنوان «فقیه» پرورش یافتند که وظیفه نخستینشان، در کنار وظایف دیگر، ابلاغ دستورات دین به مردم بود. این ایده متکی بر آیات قرآنی بود، از جمله آیه شریفه نفر: (و ما كان المؤمنون لئنفروا كآفه فلو لا نفر من كل فرقه منهم طائفة لئتفقوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون).^۱

از سویی نیز در طول سالیان درازی که از عمر اسلام می‌گذشت موضوعاتی پدید می‌آمد که در عصر نخست، وجود نداشتند تا حکمشان روشن شود. به همین جهت، همواره فقها و حقوقدانان اسلامی در پاسخ به این نیاز، دریچه‌های جدیدی در فقه گشوده‌اند. این تجدد موضوعات و تکثر افق‌های اجتهادی به تنوع فتاوی‌های فقهی انجامیده است. برجستگی برخی از فقیهان، آنان را شایسته زعامت فکری و سرآمد فقها قرار داده است و کسانی که در درجات کمتر از آنان در فقه بوده‌اند، به نظر یکی از آنان تمایل یافته و به دلایل مختلف، خود از ارائه نظریه جدید پرهیز کرده‌اند.

فقه مقارن یعنی عرصه تضارب این فتاوا و آرایش حضور آنان برای انتخاب برتر. فقه مقارن در گذشته به خلافیات،^۲ فقه الخلاف و علم الخلاف^۳ موسوم بوده و امروزه به فقه تطبیقی، فقه مقایسه‌ای و فقه مقارن. در اینکه آیا تمام این اسامی یک مدلول دارند یا هر کدام معنای خاص خود را، اختلاف نظر وجود دارد که چندان مهم نیست و از طرح آن خودداری می‌کنیم.

۱. توبه: ۱۲۲.

۲. ابن‌خلدون، مقدمه، ص ۴۵۶.

۳. حکیم، الاصول العامه للفقهاء المقارن، ص ۹.

تعریف فقه مقارن و علم الخلاف

فقه در لغت به معنای علم و فهم چیزی است.^۱ در اصطلاح نیز دانستن احکام شرعی بر اساس بررسی دلایل قرآنی یا روایی آنها دانسته شده است.^۲ کلمه مقارن در لغت از ماده قرن و به معنای جمع و وصل بین دو چیز است (قرن الشيء بالشيء) که مقارنه مصدر آن در باب مفاعله است.^۳ مقارن در اصطلاح^۴ عبارت است از گزارش آرای مذاهب فقهی در مسئله واحد، همراه با ادله و وجوه استدلال آنها طبق روش‌های اصولی و بیان علت نزاع و خلاف، سپس موازنه و ارزش‌گذاری ادله اصولی و ترجیح دلیل قوی‌تر یا روش صحیح‌تر یا طرح رأی جدیدی که به دلیل ارجح تکیه داشته باشد.^۵ در تعریف علم الخلاف یا فقه الخلاف نیز گفته‌اند: «علمی است که در آن با آوردن برهان‌های قطعی، چگونگی ارائه حجت‌های شرعی و دفع شبهه و ضعف ادله خلاف شناخته می‌شود».^۶

تاریخچه فقه مقارن

کسانی که در زمینه فقه مقارن قلم فرسوده‌اند، مختصری از تاریخچه آن را گفته‌اند و پژوهش مبسوطی در این باره رقم نخورده است. این پژوهش بر آن است که تاریخچه فقه مقارن را قدری عمیق‌تر واکاود؛ اما از آن جهت که اختلافات فقهی ارتباطی مستقیم با افتتاح باب اجتهاد دارند،^۷ ابتدا نگاهی می‌افکنیم به زمان گشایش باب اجتهاد در اسلام.

۱. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۰۵.

۲. حسن بن‌زین‌الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین یا معالم الاصول، ص ۲۷.

۳. جوهری، الصحاح، ص ۸۵۷.

۴. برای اطلاع از تعاریف دیگر ر.ک: عبدالفتاح کباره، الفقه المقارن، ص ۸۷.

۵. الدربنی، بحوث مقارنه فی الفقه الاسلامی و اصوله، ج ۱، ص ۱۸.

۶. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج ۱، ص ۷۲۱.

۷. محمود، الاختلافات الفقهیه لدى الاتجاهات الاسلامیه المعاصره، ص ۱۱۳.

۱. اجتهادهای اولیه در صدر اسلام (اختلاف صحابه)

بی‌تردید اجتهاد از مختصات دوران انقطاع وحی و فقدان پیامبر اکرم تلقی نمی‌شود؛ زیرا در زمان پیامبر گرامی اسلام نیز برخی از صحابه در مواردی اجتهاد می‌کردند؛ برای مثال وقتی پیامبر اکرم می‌خواستند معاذ بن جبل را به یمن بفرستند، به او فرمودند: «اگر در محل مأموریت، پرونده قضایی به تو ارجاع شد، منطبق با چه مقرراتی حکم آن را صادر می‌کنی؟». معاذ گفت: «منطبق بر کتاب خدا». فرمودند: «اگر در کتاب حکم آن را نیافتی، چه می‌کنی؟». گفت: «طبق سنت و رهنمودهای رسول خدا قضاوت خواهم کرد». فرمود: «اگر در سنت هم حکم آن را نیافتی، چه می‌کنی؟». عرض کرد: «اجتهاد می‌کنم و نگران نیستم».^۱

باید توجه داشت که منظور از اجتهاد، کشف احکام شرعی از منابع معتبر است که از ضوابط فنون خاص خود تبعیت دارد و نمی‌تواند دستاویزی برای مخالفت با نص قرار گیرد. همچنین نمی‌توان مدعی شد که هر مجتهدی، حتی اگر بدون رعایت ضوابط استنباط و در برابر نص اقدام به صدور فتوا کند، مأجور است. روشن است که منطق علمی نمی‌تواند با اجتهاد در مقابل نص موافق باشد. علم و منطق می‌کوشند در مواجهه با بن‌بست و نبود پاسخ صریح در نصوص یقینی و مورد قبول، همانند کتاب و سنت، مجتهد را از بن‌بست خارج کنند و در قالب و محدوده موافقت با نص به او اجازه استنباط احکام جدیدی را دهند که حکم آن در نصوص به طور صریح ذکر نشده باشد.^۲

در میان اصحاب پیامبر گاهی مسائلی پیش می‌آمد که هر یک بر اساس استعداد و نظر خود، به شکلی متفاوت در آن مسئله اجتهاد و عمل می‌کرد؛ مثلاً به هنگام حرکت جهادی به سوی قبیله بنی قریظه، پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «نماز عصر را نخوانید، مگر در بنی قریظه». سپاه به راه افتاد و هنگام عصر، عده‌ای گفتند: «به دستور پیامبر، ما نماز

۱. ابوداود، سنن، حدیث ۳۵۹۲؛ جصاص، احکام القرآن، ج ۲، ص ۲۲۶؛ طوسی، الخلاف، ج ۶، ص ۲۰۹؛

شافعی، الام، ج ۷، ص ۳۱۵.

۲. ر.ک: اسلامی، مدخل علم فقه، ص ۵۱؛ عسکری، معالم المدرستین، ج ۲، ص ۸۴؛ عسکری، مقدمه

مرآة العقول، ج ۱، ص ۴۶؛ شرف‌الدین، النص و الاجتهاد، ص ۴۷.

نمی‌خوانیم، مگر زمانی که به بنی‌قریظه برسیم؛ اما بعضی دیگر گفتند: «دستور ناظر به حرکت سریع و خروج بی‌درنگ از مدینه بوده و به معنای از دست دادن فضیلت نماز اول وقت نیست؛ بنابراین ما نماز می‌خوانیم و حرکت می‌کنیم». جریان به پیامبر اکرم گفته شد، حضرت هیچ‌کدام را ملامت نکردند؛^۱ زیرا یک گروه استنباط کرده بود که ظاهر حرف پیامبر نافذ است و باید نماز عصر را در بنی‌قریظه خواند، حتی اگر بعد از وقت عصر باشد. گروه دیگر در حدود احکام شرعی اجتهاد کرده و این‌گونه فهمیده بود که منظور رسول گرامی، سرعت در حرکت و زود رسیدن به بنی‌قریظه بوده است و نباید اوامر و مقاصد شارع ضایع شود؛ زیرا نماز وقت مشخص دارد:^۲ (ان الصلاة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا).^۳

۲. اختلاف فتوا در زمان تابعین

گفته شد که در زمان صحابه اجتهاداتی صورت گرفت که طرفدارانی پیدا کرد. این اختلافات در زمان تابعین پرورش یافت، به شکلی که در یک موضوع فقهی برخی از تابعین طبق نظر یک صحابی و برخی بر نظر دیگری استدلال می‌کردند تا اینکه تابعینی در نقاط مختلف بر کرسی افتا نشستند.^۴ برخی از مسائل مورد اختلاف تابعین عبارت بودند از تکتف و ارسال، تمتع و افراد، و نحوه انجام وضو. در همین دوره بود که برخی از رسائل و کتب در باب اختلافات فقهی نگاشته شد که می‌توان به کتاب اختلاف امام علی علیه السلام با ابن مسعود^۵ اشاره کرد. البته باید توجه داشت که این‌گونه نوشته‌ها وسیع و در تمام ابواب نبودند.

۱. بخاری، الصحيح، حدیث ۹۴۶.

۲. محمود، *الاختلافات الفقهیه لدى الاتجاهات الاسلامیه المعاصره*، ص ۱۱۳.

۳. نساء: ۱۰۳؛ البته می‌توان گفت دلیل پیامبر برای سرزنش نکردن، وضعیت حساس جنگی بوده است؛ ایشان نمی‌خواستند بین سپاه شکاف ایجاد شود. در ضمن در سنن نسائی، در ذیل حدیث ۳۳۱۲، روایتی در مورد اجتهاد است که برای خوانندگان خالی از لطف نیست.

۴. ابن‌قیم جوزی، *اعلام الموقعین عن رب العالمین*، ج ۱، ص ۱۷.

۵. شافعی، *الام*، ص ۲، فهرست.

متغیرهای تأثیرگذار بر اختلاف فتاوا

در هر دوره عواملی باعث اختلاف فتاوا می‌شده است. بعضی منشأ آن را محیط جغرافیایی، حکومت‌های سیاسی یا علل قومی، زبانی و مانند اینها می‌دانند؛ اگرچه اسباب و علل دقیق‌تری نیز می‌توان برای این اختلافات یافت. علما کتاب‌هایی برای شناسایی این عوامل اختصاص داده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: *الانصاف* از بطلیوسی، *اسباب اختلاف الفقها* از الزلمی، *اثر الاختلاف فی القواعد الاصولیه فی اختلاف الفقها* از مصطفی سعید الخن.

برخی از این متغیرها و عوامل مؤثر در اختلاف فتوا، به صورت مختصر، به قرار زیرند:

۱. اختلاف از جهت اشتراک لفظ که منجر به تأویل می‌شود؛
۲. اختلاف از جهت حقیقت و مجاز؛
۳. اختلاف از جهت مفرد و مرکب؛
۴. اختلاف از جهت عموم و خصوص؛
۵. اختلاف از جهت روایت به دلیل عواملی مثل فساد سند، نقل به معنا، جهل به اعراب، خطا در نگارش لفظ، افتادگی جزئی از حدیث؛
۶. اختلاف از جهت اجتهاد و قیاس؛
۷. اختلاف از جهت ناسخ و منسوخ؛
۸. اختلاف از جهت اباحه.^۱

ادوار فقه مقارن

با توجه به اینکه مقارنه بین فتاوای مختلف، در ابتدا یک منهج و روش فقهی بوده و به مرور به یک علم مستقل تبدیل شده است، جا دارد تحقیقی جامع برای تدوین ادوار فقه مقارن در نظر گرفته شود. در اینجا به صورت مختصر تقسیم‌بندی اولیه‌ای برای این علم پیشنهاد می‌شود تا مبنایی برای تصحیح و تکمیل دیگر پژوهشگران باشد. گفتنی است با توجه به اینکه علم فقه با علم فقه مقارن مرزهای بسیار نزدیک و گاه مشترکی

۱. بطلیوسی، *الانصاف*، کل کتاب.

دارند، ممکن است در این تقسیم برخی ادوار تداخل داشته باشند؛ ولی چون تاریخ پیدایش علم خلاف متأخر از فقه است، زمان آن دو با هم کمی متفاوت می شود.

دوره اول: بستر پیدایش

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در عهد خلیفه نخست، حکومت اسلامی بیشتر مشغول مسائل داخلی شد و سعی کرد پایه های خلافت در داخل محدوده اسلامی را مستحکم سازد. پس از اتمام خلافت خلیفه اول و روی کار آمدن خلیفه دوم وضعیت اسلام بسیار متفاوت شد؛ زیرا به علت وسعت فتوحات اسلام، لازم بود در هر منطقه ای که به تصرف مسلمانان درمی آمد کسانی فرستاده شوند تا متولی امور قضا و افتا شوند. به همین دلیل، برخی از صحابه به مناطقی فرستاده شدند و برخی دیگر در مقر خلافت، یعنی مدینه، باقی ماندند تا در مواقع نیاز از مشورتشان بهره گرفته شود.

در زمان خلیفه سوم به شکلی گسترده تر به صحابه اجازه داده شد تا از مرکز خلافت خارج شوند. برخی از صحابه به مصر، برخی به شام و برخی به عراق رفتند. عراق بیشترین سعادت را در جلب صحابیان بزرگ به دست آورد؛ به ویژه در زمان خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام که عراق، به خصوص شهر کوفه، مرکز خلافت و حکومت شد و بسیاری از صحابه در آنجا رحل اقامت گزیدند. البته بعضی از صحابه همچنان در مدینه باقی ماندند و از آنجا خارج نشدند.

پیدایش دو مکتب رأی و مکتب حدیث

مهاجرت جمعی از صحابه به عراق و اقامت برخی در حجاز، نقطه عطف رقابت این دو منطقه در علم و فرهنگ شد.^۱ دو مدرسه به نام های مدرسه مدینه یا حجاز و مدرسه عراق یا کوفه به وجود آمد. مدرسه مدینه حدیث گرا بود و بیشتر بر مبنای سنت و روایات کار می کرد؛ از این رو به مدرسه الحدیث موسوم شد. مدرسه عراق بر مبنای رأی و قیاس کار خویش را ادامه داد و مدرسه الرأی نام گرفت.^۲

۱. امام عبدالسمیع، *منهاج الطالب فی المقارنه بین المذاهب*، ص ۲۴.

۲. مدکور، *مناهج الاجتهاد فی الاسلام فی الاحکام الفقهیه و العقائدیہ*، ص ۱۰۰ و ۱۱۴.

طبیعی است که وقتی مبنای فقهی دو مدرسه متفاوت باشد، فتاوا نیز رنگی متفاوت پیدا می‌کنند؛ برای مثال، اهل مدینه می‌گفتند هنگام شروع نماز، تکبیر رکوع و بلند کردن سر از رکوع باید دست‌ها را بلند کرد، ولی اهل کوفه معتقد بودند دست‌ها را فقط هنگام افتتاح باید بلند کرد.^۱ این دو مدرسه فقهی در مورد قرائت پشت سر امام در حال جماعت و تجویز قضاوت زنان نیز آرای متفاوت ارائه می‌کردند.^۲

دوره دوم: عصر تدوین

پس از عصر صحابه و تابعین مدرسه الحدیث و مدرسه الرأی به کارشان ادامه دادند. شایسته ذکر است که در زمان تشریح و عصر صحابه و تابعین هنوز هیچ مذهبی شکل نگرفته بود؛ اما چنانکه پیش‌تر ذکر شد، مدارس مشغول به فعالیت بودند و اشخاصی که در رأس بودند و به این مدارس جنبه شخصی می‌دادند نیز به صورت مذهب مستقل مطرح نبودند. البته می‌توان گفت مذاهب فردی، چون عبدالله بن مسعود در مکتب رأی و عبدالله بن عمر در مکتب حدیث، هسته‌های اولیه مذاهب بعد از خود شدند.^۳

از ویژگی‌های این دوره این است که تا پیش از این دوره اختلافاتی که بین صحابه یا تابعین بود، به صورت مکتوب درنیامده بودند و اگر هم نوشته شده بودند، به حساب نمی‌آمدند؛ اما در این دوره - که به اذعان برخی از اهل سنت، عصر ظهور نوابغ فقها^۴ است - تدوین فقه و نوشتن اختلافات فقهی و همچنین تشکیل مذاهب فقهی صورت گرفت.

دیگر ویژگی این دوره این است که در دوره‌های قبل، بیشتر اختلافات به سبب اختلاف مدارس بود؛ ولی در این دوره اختلافات مهمی حتی در بین فقهای یک مدرسه صورت می‌گرفت و تدوین می‌شد؛ برای نمونه می‌توان به اختلاف ابوحنیفه

۱. همان، ص ۱۱۵.

۲. مالک، الموطأ، ج ۱، ص ۸۴.

۳. جناتی، دروس فی الفقه المقارن، ص ۲۲.

۴. خضری‌بک، تاریخ التشریح الاسلامی، ص ۱۸۱.

(۸۰-۱۵۰ق) با سفیان بن سعید الثوری (۹۷-۱۶۱ق) و شریک بن عبدالله النخعی (۹۵-۱۷۷ق) و محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی (۷۴-۱۴۸ق) اشاره کرد.

ویژگی دیگر این عصر مناظره‌ها و مجادله‌های فقها با یکدیگر است که مهم‌ترین عامل برای نگارش کتاب‌های خلاف به شمار می‌روند. می‌توان کتب زیر را اولین اختلاف‌نگاشت‌هایی دانست که در این عصر تدوین شده‌اند:

۱. کتاب الحجه علی اهل المدینه: این کتاب را محمد بن حسن شیبانی (۱۳۲-۱۸۹ق) در رد امام مالک، از اهل حدیث، نگاشت.^۱

۲. کتاب الرد علی مالک بن انس: این کتاب نوشته قاضی ابویوسف (۱۱۲-۱۸۳ق)، شاگرد بزرگ ابوحنیفه، است (این کتاب موجود نیست).^۲

۳. کتاب اختلاف ابی حنیفه و ابن ابی لیلی: نوشته قاضی ابویوسف است و محمد بن حسن شیبانی، دیگر شاگرد ابوحنیفه، این کتاب را از ابویوسف نقل می‌کند. برخی معتقدند این کتاب همان سیر اوزاعی است.^۳ به هر حال، ابویوسف در ابتدا شاگرد ابن ابی لیلی بود، سپس به حلقه درس ابوحنیفه پیوست و چون محضر هر دو فقیه را درک کرده بود، از اختلاف آن دو آگاه بود. به همین جهت در این کتاب به نقاط مورد اختلاف دو استاد خویش اشاره می‌کند. او در بعضی موارد نظر خود را موافق با ابوحنیفه می‌داند و در برخی مسائل جانب ابن ابی لیلی را می‌گیرد. پس از ابویوسف، شافعی از این کتاب استفاده و نظرات هر سه فقیه را نقل کرده است؛^۴ علاوه بر این، ضمن مقایسه این نظرات با نظرات علما و فقهای دیگر، آنها را در کتاب الامّ خویش می‌آورد و نظر موافق با خود را تقویت می‌کند.^۵

۱. الملا، تاریخ التشریح الاسلامی الفقه و اصوله و قواعد، ص ۱۸۳.

۲. خضری‌بک، تاریخ التشریح الاسلامی، ص ۲۲۲.

۳. طبری، اختلاف الفقهاء، ص ۶.

۴. خضری‌بک، تاریخ التشریح الاسلامی، ص ۲۲۳.

۵. الملا، تاریخ التشریح الاسلامی الفقه و اصوله و قواعد، ص ۱۸۴.

۴. اختلاف علی و عبدالله بن مسعود رضی الله عنهما.

۵. کتاب اختلاف مالک و الشافعی؛ برای نمونه در حکم وضو گرفتن در قبال خروج خون از بدن، احمد بن حنبل قائل است که بعد از حجامت و رگ‌زدن باید وضو گرفت، ابوحنیفه نیز می‌گوید اگر خون از بدن خارج شود، باید وضو گرفت؛ اما ابویوسف، هارون الرشید را دیده که حجامت کرد و بدن آنکه وضو بگیرد، نماز خواند. مالک نیز فتوا داده است که اگر شخصی حجامت کرده باشد، وضو نمی‌خواهد، پس ابویوسف پشت سر او نماز خواند و نمازش را هم اعاده نکرد.^۱

دوره سوم: عصر رشد و تکمیل و توسعه (عصر طلایی)

نگارش نخستین کتاب‌ها در باب خلاف فقهی یا همان فقه مقارن به قرن دوم هجری برمی‌گردد؛^۲ حال باید دید چه کسی برای نخستین بار در میان اهل سنت در فقه مقارن مصطلح امروزی، دست به نگارش زد.

پیشگامان عرصه فقه مقارن

در میان اهل سنت اتفاق نظری در مورد نخستین نویسنده در این عرصه وجود ندارد و نظرات متفاوتی ایراد شده است. برخی از شخصیت‌هایی که از پیشگامان این عرصه دانسته می‌شوند؛ عبارت‌اند از: ابوجعفر محمد بن جریر طبری، ابوجعفر طحاوی، ابوزید دبوسی، محمد بن نصر مروزی، ابی‌بکر محمد بن ابراهیم بن المنذر، ابومحمد علی بن احمد الاندلسی الظاهری (ابن حزم)، محمد بن احمد بن رشد القرطبی الحفید، ابی‌الحسن علی بن ابی‌بکر الفرغانی المرغینانی، القدوری الحنفی، ابوهبیره.

برخی کتاب *اختلاف الفقهاء*، نوشته ابن جریر طبری، را نخستین کتاب فقه مقارن می‌شمرند که باید به دو نکته توجه داشت: ۱. کتاب به صورت کامل به ما نرسیده است؛^۳ ۲. این کتاب حاوی اختلاف نظرهای اشخاصی چون مالک، اوزاعی، ثوری،

۱. ابن‌قدامة، *المغنی*، ج ۱، ص ۲۲.

۲. جصاص، *مختصر اختلاف العلماء*، ص ۸۱؛ شاخت، «اختلاف»، *دائرة المعارف اسلام*، ج ۳.

۳. طبق نظر مصحح کتاب دکتر فریدریک کرن آلمانی برلینی.

شافعی، ابوحنیفه، ابویوسف، شیبانی، ابو ثور و بعضی از فقهای صحابه و تابعین و اتباعشان تا میانه قرن دوم هجری است؛ اما ذکری از احمد بن حنبل نیامده است. طبری دلیل این کار را چنین بیان می‌کند: «ابن حنبل به جلوس علی العرش قائل است»، سپس این بیت را انشا می‌کند:

سبحان من لیس له انیس و لاله فی عرشه جلیس

وی همچنین می‌گوید: «شیوه من در این کتاب جمع‌آوری نظریات مجتهدان است، نه محدثان؛ از این رو از بازگویی آرای احمد، که از محدثان است، خودداری ورزیدم».^۱ کتب زیر نیز به فقه مقارن یاری رساندند:

۱. بدائع الانوار و محاسن الآثار و اختلاف علماء اهل البیت، ابی جعفر محمد بن منصور بن یزید المقرئ المرادی الکوفی (م ۲۹۰ق)؛

۲. اختلاف العلماء، محمد بن نصر المروزی (م ۲۹۴ق)؛

۳. الاختلاف، ابی اسحاق ابراهیم بن جابر المروزی الشافعی (م ۳۱۰ق)؛

۴. الاوسط فی السنن و الاجماع؛

۵. اختلاف العلماء؛

۶. الاشراف علی مذاهب اهل العلم، سه اثر اخیر تألیف ابی بکر محمد بن ابراهیم بن المنذر الشافعی (م ۳۱۸ق) هستند؛

۷. اختلاف الفقهاء (العلماء)، ابو جعفر الطحاوی الحنفی (۲۲۹-۳۲۱ق)؛ او در ابتدا شافعی مذهب بوده و بعد مذهب حنفی را اختیار کرده است. گفته شده این کتاب بسیار حجیم و در حدود ۱۳۰ جزء بوده که پس از تلخیص جصاص (م ۳۷۰ق)، تحت عنوان مختصر اختلاف العلماء نشر داده شده است.^۲ گفتنی است اسم کتاب در بعضی از منابع اختلاف الفقهاء^۳ و در برخی دیگر اختلاف العلماء آمده است.

۱. طبری، اختلاف الفقهاء، ص ۱۰؛ جناتی، پیشگامان فقه تطبیقی، ص ۴۱.

۲. جصاص، مختصر اختلاف العلماء، ص ۴۵.

۳. ابن ندیم، الفهرست فی اخبار العلماء المصنفین من القداماء و المحلثین، ص ۲۲.

۸. اختلاف الفقهاء، محمد بن محمد بن الباهلی الشافعی (م ۳۲۱ ق)؛

۹. المجرد فی النظر، ابوعلی حسن بن قاسم الطبری (م ۳۵۰ ق)؛

۱۰. التجرید، القدوری الحنفی (۳۶۲-۴۲۸ ق).

یادآوری می‌شود به دنبال تدوین کتب یادشده، کتاب‌هایی چون تأسیس النظر، تألیف ابوزید الدبوسی الحنفی (م ۴۳۰ ق)، الخلافیات، تألیف بیهقی الشافعی (۳۸۴-۴۵۸ ق) و الحاوی، نوشته ماوردی (م ۴۵۰ ق) موجبات تکمیل کتب فقه مقارن را فراهم کردند.

پس از آثاری که به رشد و تکمیل کتب فقه مقارن کمک رساندند، آثاری به وجود آمدند که به توسعه فقه مقارن منجر شدند. تلاش‌هایی که به تدوین فقه مقارن و اهتمام فقها برای جمع‌آوری فتاوی دانشمندان مختلف انجامید در موارد زیر خلاصه می‌شوند:

الف) گرایش به ارائه و شناسایی علت احکام و مقایسه فتاوی ناظر به آن (تعلیل الاحکام)؛

ب) ایجاد زمینه برای انتخاب صحیح و ترجیح اقوال دارای مبانی مستحکم‌تر (الترجیح)؛

ج) یارگیری برای یک مکتب فکری و فقهی از طریق تطبیق فتاوا و سنجش استحکام ادله آن (الاتصاف للمذهب).^۱

آثاری که به واسطه مبسوط بودن و ارائه ابواب مفصل، فقه مقارن را توسعه بخشیدند، از این قرارند:

۱. المحلی، تألیف ابو محمد علی بن احمد الاندلسی الظاهری (۳۸۴-۴۵۶ ق)، در ۱۱ جلد. او پیش از اتمام این کتاب فوت کرد و فرزندش، الفضل ابورافع، از کتاب الایصال پدر، کتاب المحلی را به اتمام رساند.^۲ ابن حزم در المحلی ابتدا مسئله را مطرح می‌کند، سپس با «قال ابو محمد»، کنیه خودش، یا «قال علی»، اسم خودش، فقه خود را ذکر و آن را با آیه و حدیث از پیامبر اکرم مستدل می‌کند؛ گاهی نیز به اجماع و گاه به مجموع اینها استدلال می‌کند. پس از آن، فقه صحابه و تابعین و اتباعشان را ذکر می‌کند تا به

۱. سائیس، تاریخ الفقه الاسلامی، ص ۱۲۸.

۲. الاشقر، تاریخ الفقه الاسلامی، ص ۱۲۸.

فقه ابوحنیفه و مالک و شافعی می‌رسد؛ گاه از شاگردان بزرگ آنان نیز نقل می‌کند. او این نقل فقه را تا نیمه قرن پنجم هجری ادامه می‌دهد. وی فقه احمد را به شکل نادر می‌آورد، زیرا احمد را امام المحدثین می‌داند؛

۲. *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*، تألیف محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن رشد القرطبی الحفید المالکی (۵۲۰-۵۹۵ق)؛^۱

۳. *الهدایة شرح بدایة المبتدی*، تألیف برهان‌الدین ابی‌الحسن علی بن ابی‌بکر الفرغانی المرغینانی الحنفی (۵۱۱-۵۹۳ق). مؤلف در ابتدا کتابی به نام *بداية المبتدی* می‌نویسد که به گفته خودش، حد وسط *المختصر القدوری* و *الجامع الصغیر محمد شیبانی* است. سپس شرح وسیعی، در حدود ۸۰ جلد، بر کتاب خود می‌نویسد و آن را *کفایة المتهی* می‌نامد و در سال ۵۷۳ق آن را مختصر و با نام *الهدایة* ارائه می‌کند؛

۴. *المعنی*، تألیف موفق‌الدین ابومحمد عبدالله بن احمد بن قدامه المقدسی الدمشقی الحنبلی (۵۴۱-۶۲۰ق)، در ۹ جلد. این کتاب بر اساس اختصار خرقی از فقه ابن حنبل نگاشته شده است. ابن قدامه نظرهای صحابه، تابعین و علمای مشهور امصار مختلف را به همراه ادله آنها می‌آورد و در نهایت ادله ترجیح مذهب حنبله را می‌نگارد؛

۵. *المجموع شرح المهدب*، نوشته ابوزکریا یحیی بن شرف النووی الدمشقی الشافعی (۶۳۱-۶۷۶ق). کتاب *المهدب* نوشته ابواسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف الشیرازی (۳۹۳-۴۷۶ق) است. نووی *المجموع* را به صورت مبسوط می‌نگاشت به گونه‌ای که تا جلد سوم به کتاب *الهیض* رسیده بود؛ اما از این روش دست برداشت و مقداری خلاصه‌تر نوشت، هرچند اجل مهلت نداد و او تا جلد نهم فقط تا باب ربا از کتاب *البیوع* را نگاشت. سپس تقی‌الدین ابوالحسن علی بن‌الکافی السبکی کار او را ادامه داد و تا ۱۱ جلد رساند؛ اما اجل او نیز پیش از اتمام کتاب فرا رسید. اکنون این کتاب در ۲۷ جلد به چاپ رسیده است.

۱. در فقه‌های مالکی اندلس دو محمد بن احمد وجود دارد که یکی به ابن‌الرشد الجعد معروف است (۴۵۰-۵۲۰ق) و دیگری به ابن‌الرشد الحفید (۵۲۰-۵۹۵ق)؛ مؤلف *بداية المجتهد ابن‌الرشد الحفید* است.

پیشگامان شیعه در فقه مقارن

با آنکه محدوده پژوهشی این نوشتار، فقه مقارن اهل سنت تعریف شده است، اشاره به شخصیت‌های شیعی که در این عرصه حضور فعال داشته و پیشکسوت بوده‌اند، می‌تواند به تکمیل اطلاعات این بخش کمک کند.

۱. شیخ مفید (م ۴۱۳ق) صاحب کتاب *الاعلام فیما اتفقت الامامیه علیه من الاحکام مما اتفقت العامه علی خلافهم فیه* است. این کتاب به درخواست سید مرتضی و در کنار کتاب *اوائل المقالات* نگاشته شد تا هم در اصول و هم در فروع برای مراجعه‌کنندگان کافی باشد.

۲. سید مرتضی (م ۴۳۶ق) صاحب کتاب‌های *الانتصار* و *مسائل الناصریات* در فقه مقارن است.

۳. شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) صاحب کتاب *الخلاف* یا *مسائل الخلاف* است. این کتاب توانست افق‌های جدیدی از فقه مقارن را در پیش روی فقها باز کند و تا سالیان دراز یگانه مرجع فقه مقارن شناخته می‌شد.

۴. ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ق) صاحب کتاب *المؤتلف من المختلف بین ائمه السلف* است که تلخیص کتاب *الخلاف* شیخ طوسی به شمار می‌رود.

۵. علامه حلی (م ۷۲۶ق) صاحب کتب *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، *تذکره الفقها* و *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه* است. کتاب اخیر در حقیقت فقه مقارن درون‌مذهبی است.^۱

دوره چهارم: عصر بی‌رغبتی به فقه مقارن (عصر رکود فقه مقارن)

در قرن هشتم هجری، پس از توسعه کتب و فن علم فقه مقارن، که اختلافات مذاهب فقهی شیعه و اهل سنت بر اثر تعصبات ملوک و حاکمان وقت به اوج خود رسیده بود، علم الخلاف رو به فراموشی رفت و جای خود را به مطاعن و دشمنی داد.

۱. مقاله‌ای در زمینه ادوار فقه مقارن شیعه در مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های فقهی دانشگاه تهران، پردیس قم از نویسنده در شماره پنج پیاپی چاپ شده است که برای مطالعه در زمینه ادوار فقه شیعه مفید است.

در تاریخ نقل شده است که اگر شخصی حنفی مذهب بر حنبلی‌های گیلان وارد می‌شد، او را به جرم کفر می‌کشتند و در اموالش، به عنوان فیه، تصرف می‌کردند. همچنین در بلاد ماوراءالنهر، از بلاد احناف، یک مسجد برای شافعی‌ها بود. والی آن بلد هر روز که برای نماز صبح خارج می‌شد، می‌گفت: «آیا وقت آن نرسیده که این کنیسه بسته شود؟» تا اینکه یک روز در آن مسجد را گِل گرفتند. نیز در تاریخ آمده که شافعی‌ها به طعنه می‌گفتند: «ابوحنیفه از موالی است و از ائمه حدیث نیست» و حنفی‌ها نیز علاوه بر طعنه به نسب شافعی، می‌گفتند: «بخاری و مسلم شافعی را درک کرده، ولی از او نقل روایت نکرده‌اند». حنفی‌ها همچنین نقل می‌کردند که «یکون فی امتی رجل یقال له النعمان هو سراج امتی، و یکون فیهم رجل یقال له محمد بن ادریس، هو اضر علی امتی من ابلیس».^۱ دوری از شیعیان و دشمنی با آنان از این هم فاجعه‌آمیزتر بود؛ چنانکه ترکان عثمانی شیعیان را متهم کردند که حجشان کربلا و نجف است و به مکه می‌آیند تا کعبه را آلوده به نجاست کنند.^۲

تمامی این مسائل سبب شد تا مذاهب از یکدیگر دور شوند و اقبال چندانی به آثار مذهب مقابل خویش نداشته باشند و اگر هم نظریات مذهب مقابل را می‌آوردند، جنبه طعن و خدش داشت، تا ترجیح دلیل اقوی؛ همین کافی بود تا علم فقه مقارن در نهایت افول به سر برد.

برخی از آثار این دوره عبارت‌اند از:

۱. تنقیح التحقیق، ابن عبدالهادی (م ۷۳۳ق)؛^۳
۲. القوانین الفقهیه، ابن جزی (م ۷۴۱ق)؛^۴
۳. اسرار الانوار لعمل الابرار، شیخ یوسف اردبیلی شافعی (م ۷۷۹ق)؛^۵

۱. عرفه، «کیف یستعید المسلمون وحدتهم وتناصرهم».

۲. بی‌آزار شیرازی، «فقه مقارن».

۳. جامعه ام‌القری، فهرس الفقه الحنبلی، مقدمه.

۴. ابوالبصل، دراسات فی الفقه المقارن، مقدمه.

۵. جناتی، پیشگامان فقه تطبیقی، ص ۴۴.

دوره‌سازی فقه تطبیقی در میان مذاهب اهل سنت / ۱۶۵

۴. الدر المنتقى المجموع فى تصحيح الخلاف المطلق فى الفروع، علاء‌الدین ابی‌الحسن علی بن سلیمان المرادوی الدمشقی الحنبلی (۸۱۷-۸۸۵ق)؛
۵. الانصاف، المرادوی؛^۱
۶. المیزان‌الکبری، عبدالوهاب الشعرانی (۸۹۸-۹۷۳ق)، در دو جلد.

دوره پنجم: عصر حاضر یا عصر موسوعه‌ها

در هر علم، در پی فراوانی تحقیقات و کاوش‌های علما، ابواب جدیدی باز می‌شود که اگر این سیر ادامه یابد، پس از چندی آن علم به حد انفجار می‌رسد؛ گویی به نهایت خود رسیده و جایی برای فربه شدن ندارد. در این هنگام اگر کسی بخواهد به آن علم و تمام کتب مربوط آن مراجعه کند، کاری بس مشکل، حتی شاید بتوان گفت غیرممکن، است. از این رو دانشمندان بر آن شدند تا تمام کتب و علوم را به شیوه‌ای بنگارند که محقق به راحتی بتواند اشرافی اجمالی بر آن علم پیدا کند،^۲ به همین دلیل کتبی به نام موسوعه نگاشتند و ویژگی‌هایی را برای آنها برشمردند؛ از جمله الف) شامل تمام آن علم شود؛ ب) دسترسی به آن آسان باشد؛ ج) اسلوبی ساده و روان داشته باشد؛ د) منابعش موثق باشند؛ ه) اطمینان‌آور باشد.^۳ هرچند در روند کار تمام این اهداف حاصل نشدند، آثاری به وجود آمدند که در مجموع برطرف‌کننده نیاز بودند.

تاریخچه موسوعه‌های فقهی

در ۱۳۷۰ق/۱۹۵۱م، اجلاس فقه اسلامی در پاریس، از دانشمندان مسلمان دعوت کرد که اصطلاحات حقوقی اسلامی را طبق الگوهای حدیثی و ترتیب معجمی در موسوعه‌ای فقهی جمع آورند. برای نخستین بار دانشکده شریعت دانشگاه دمشق در ۱۳۷۵ق/۱۹۵۶م اقدام به این کار کرد که ثمره‌اش کارهایی مقدماتی چون معجم فقه ابن‌حزم شد. سپس در ۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م وزارت اوقاف مصر، موسوعه فقهی را نگاشت.

۱. جامعة ام‌القری، فهرس الفقه الحنبلی، مقدمه.

۲. مکارم شیرازی، دایرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۲۲.

۳. الاوقاف، الموسوعة الفقهية (الکویتية)، ج ۱، ص ۵۳.

پس از آن وزارت اوقاف کویت در ۱۳۸۶ق/۱۹۶۷م به تألیف موسوعه فقهی همت گماشت که این کار در ۱۳۹۰ق/۱۹۷۱م متوقف شد و فقط ۳ موضوع از ۵۰ موضوع در آن بررسی شد. وزارت اوقاف کویت در ۱۳۹۴ق/۱۹۷۵م دوباره شروع به کار کرد و اولین جزء موسوعه را در ۱۴۰۰ق/۱۹۸۱م و در سال بعد جزء دوم آن را چاپ کرد. قاهره دست به کار بسیار عظیم تری زد و فقه مذاهب هشت گانه مالکی، حنفی، شافعی، حنبلی، زیدی، جعفری، اباضی و ظاهری را در یک موسوعه جمع کرد.^۱

موسوعه‌های حاضر

فهرست برخی از موسوعه‌هایی که در زمینه فقه مقارن نوشته شده و رایج‌اند را می‌آوریم:

۱. الموسوعة الفقهية (الکویتية): این مجموعه عظیم، که بالغ بر ۴۵ جلد است، را وزارت اوقاف کویت تهیه و چاپ کرده است. این موسوعه فقهی دربردارنده نظرات ائمه مذاهب اربعه و اصحاب و شاگردان آنان است و گاه به فتوای بعضی از صحابه نیز اشاره کرده است.

۲. موسوعة الفقه الاسلامی (المقارن): این مجموعه بزرگ حاصل تلاش وزارت اوقاف مصر است و به موسوعه جمال عبدالناصر شهرت دارد؛ زیرا این کار به دستور او بوده است. در این موسوعه نظرات فقهی هشت مذهب موجود به ترتیب حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی، ظاهری، زیدی، امامی و اباضی ذکر شده است. مدخل‌های آن ترتیب الفبایی دارند؛ از این رو دسترسی به آنها بسیار ساده است. تا سال ۱۴۲۹ق/۲۰۰۸م جلد ۳۱ و تا حرف الف از این موسوعه به چاپ رسیده است. آخرین مدخل آن در جلد ۳۱، طبق حروف الفبا، به کلمه الايداع ختم می‌شود.

۳. الفقه الاسلامی و ادلته: نوشته دکتر وهبه الزحیلی در ۹ جلد حجیم. این کتاب سه ویژگی دارد: ۱. به ترتیب ابواب فقه است؛ ۲. نظرات مذاهب اربعه را آورده و به‌ندرت به برخی از روایات صحابه و تابعین و دیگران اشاره کرده است؛ ۳. در جلد آخر

۱. الاوقاف، موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، ج ۱، ص ۵۸.

مباحث مربوط به حکومت اسلامی و شرایط دولت‌های اسلامی و امور مربوط به آنها را مطرح کرده است.

توسعه فقه مقارن و نتایج آن

تلاش برای توسعه فقه مقارن ثمراتی داشته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. جمع‌آوری آرای فقهای مذاهب مختلف از سوی اهل سنت تحت عنوان «موسوعه»؛
۲. جمع‌آوری آرای فقهای مذاهب مختلف از سوی فقها و زعمای شیعه تحت عنوان «دایرة المعارف» فقه مقارن؛
۳. ایجاد پایگاه‌هایی برای تدریس و تحصیل فقه مقارن. شکل‌گیری این پایگاه‌ها به این صورت بود که ابتدا محمد مراغی کبیر، شیخ بزرگ الازهر، با نگاشتن مقاله‌ای و اعلام افتتاح باب اجتهاد، سنگ زیرین بنای این حرکت را نهاد. به پیشنهاد وی، کرسی تدریس فقه مقارن در دانشکده‌های الازهر به ریاست ایشان درباره قانون خانواده (الاحوال الشخصية) با رویکرد تمامی مذاهب برقرار شد.^۱
۴. سپس عبدالمجید سلیم، فقیه بزرگ الازهر و وکیل دار التقرب، مقدمات فتوای تاریخی مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه امامی و زیدیه را آماده کرد.
۵. پس از او، شیخ دیگر الازهر با نام شیخ محمود شلتوت در تاریخ ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۷۸ق، فتوای تاریخی مجزی بودن فقه شیعه را صادر کرد و با همکاری استاد علی سائس، کتابی در فقه مقارن با عنوان *مقارنہ المذاهب فی الفقه* تدوین کردند. سرانجام شیخ محمد محمد مدنی باب فقه شیعه را در فقه مقارن دانشکده الازهر گشود. وی که ریاست دانشکده الشریعة الازهر را به عهده داشت، سلسله مقالاتی را با عنوان «اسباب اختلاف الفقها» نوشت.^۲

۱. بی‌آزار شیرازی، «فقه مقارن»، ص ۲۰۲ تا ۲۳۲.

۲. بی‌آزار شیرازی، *الوحدة الاسلامیة*، ص ۳۳۵.

۶. این مقدمات سبب شد که در برخی از کشورها- نظیر تونس در دانشگاه الزيتونیه و سوریه در دانشگاه دمشق- به فقه مقارن توجه کنند. در ایران نیز رهبری این نهضت را آیت‌الله بروجردی در حوزه علمیه قم بر عهده داشت. ایشان در این زمینه می‌فرمود: «فقه شیعه باید همراه با آگاهی از نظریات و افکار دیگران باشد. فقه از حالت اختصاصی به فقه تطبیقی و مقارن تبدیل شود و در همین راستا باید فقیه بر آرای گذشتگان، اعم از فقهای اهل سنت و شیعه، رجوع کند و مسئله را مطرح سازد».^۱

۷. در ۱۹۲۰ میلادی دولت مصر قانون شماره ۲۵ خود در باب احوال شخصیه را از انحصار مذهب حنفی خارج ساخت و از سایر مذاهب چهارگانه نیز استفاده کرد.
۸. در ۱۹۲۹ میلادی قانون شرعی شماره ۲۵، از احکام سایر مذاهب اسلامی، اعم از شیعه و سنی، نیز استفاده کرد.

۹. در ۱۹۳۶ میلادی در مصر، کمیسونی تشکیل و مکلف شد تا برای نوشتن قانون مدنی خانواده علاوه بر آرای همه مذاهب فقهی، از آرای فردی مجتهدان زنده استفاده کند.
۱۰. بر اساس قوانین اخیر، در ۱۹۵۱ میلادی مصر به تدوین قانون خانواده همت گماشت و در سال‌های بعد در کشور اردن، قطر، امارات و سودان این آزاداندیشی گسترش یافت.

۱۱. در ۱۹۳۲ میلادی در کنگره هلند، شریعت اسلامی را جزء قوانین مقارن قرار دادند. در همان سال در لاهه مقرر شد که مصادر قانون تطبیقی بر اساس چهار منبع باشد:

- قوانین فرانسه؛

- قوانین آلمان؛

- قوانین انگلیس؛

- قوانین اسلامی.^۲

۱. سبحانی، «مصاحبه آیت‌الله سبحانی»، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.

۲. طباره، روح‌الدین الاسلامی، ص ۳۱۲.

نتیجه

از مطالب این مقاله می‌توان به این نکته دست یافت که اگر واقعاً به فقه مقارن توجه شود و به معنای واقعی در تمام مذاهب به آن بها داده شود، می‌توان در سرتاسر جهان در موضوعات مختلف، به خصوص برای حل مسائل حقوقی، بهترین حکم را با بهترین استدلال به دست آورد. حقوق تطبیقی یکی از ثمرات فقه مقارن است که امروزه اهمیت فراوانی دارد. جهان امروز به مثابه دهکده‌ای است که به برکت وسایل پیشرفته امروزی تمام آنچه در آن می‌گذرد در کمترین زمان ممکن به قضاوت افکار عمومی نهاده می‌شود. طبعاً جهان امروز خواستار مرقی‌ترین احکام برای مشکلات قانونی و حقوقی خویش است و اسلام وعده در دسترس نهادن این احکام را به انسان‌ها داده است.

با بررسی ادوار فقه مقارن به این نتیجه می‌رسیم که در هر دوره‌ای که به فقه مقارن بیشتر بها داده شده و علما و اندیشمندان میانه‌رو این مهم را به دست گرفته‌اند، هم به لحاظ جهانی - در سطح کلان - و هم به لحاظ مذهبی - در سطحی پایین‌تر - شاهد کمترین تنش‌ها بوده‌ایم و بهترین زمان‌های تاریخ را پشت سر گذاشته‌ایم؛ زیرا احترام به قوانین و آداب یک مذهب در واقع دستور شریعت است و ارائه به دور از تعصب دیدگاه‌های علمی یک مذهب، یگانه راهکار اسلام ناب محمدی است که عمل به آن موجبات صلح جهانی را به همراه دارد: (الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ).^۱

منابع

- محمد بن ابی بکر (بی تا)، ابن قیم جوزی، *اعلام الموقعین عن رب العالمین*، قاهره: دارالحدیث.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰ق)، *الفهرست فی اخبار العلماء المصنفین من القدماء والمحدثین*، رضا تجرد، دانشگاه تهران.
- مالک ابن انس (۱۴۰۶ق/۱۹۸۵م)، *الموطأ*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (بی تا)، *مقدمه*، مصر: انتشارات مصطفی محمد.
- ابن قدامه الخرقی، المقدسی (بی تا)، *المغنی*، مقدمه محمد رشید رضا، بیروت: منار الاسلام عالم الكتب.
- ابن منظور (۱۹۸۸م)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوالبصل، علی (۲۰۰۱م)، *دراسات فی الفقه المقارن*، امارات متحده عربی دبی: دارالقلم.
- امام، عبدالسمیع (۲۰۰۱م)، *منهاج الطالب فی المقارنه بین المذاهب*، محمد فاضلی، بیروت: دارالمدار الاسلامی.
- اسلامی، رضا (۱۳۸۴ش)، *مدخل علم فقه*، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- الاشقر، عمر سلیمان (بی تا)، *تاریخ الفقه الاسلامی*، کویت: مکتبه الفلاح دار النفائس.
- الاقواف (۲۰۰۶م)، *الموسوعة الفقهية (الکویتية)*، الكويت: وزارة الاوقاف.
- اقواف (۲۰۰۸م)، *موسوعة الفقه الاسلامی المقارن الشهيرة بموسوعة جمال عبدالناصر*، قاهره: وزارة الاوقاف.
- البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (۴۲۷ق)، *الصحيح*، بیروت: مکتبه العصریه.
- البطلیوسی، ابو محمد ابن السید (۲۰۰۳م)، *الانصاف*، تحقیق محمد رضوان الدلیه، دمشق: دارالفکر.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۴ش)، «فقه مقارن»، *کاوشی نو در فقه اسلامی*، شماره ۴۳، بهار.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۴۲۱ق/۱۳۷۱ش)، *الوحدة الاسلامی*، جمع من اعظم علی المسلمین من السنه و الشیعه، به اهتمام سید جلال میر آقالی، بیروت لبنان: مؤسسه الاعلی للمطبوعات.
- جامعه ام القرى (بی تا)، *فهرس الفقه الحنبلی*، مکه مکرمه: جامعه ام القرى.
- جصاص، ابوبکر احمد (۱۴۱۷ق)، *مختصر اختلاف العلماء*، عبدالله نذیر احمد، بیروت: دارالبشائر الاسلامیه.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۴۱۵ق)، *دروس فی الفقه المقارن*، قم: مرکز المنطقه الثانیه لمنظمه الاعلام الاسلامیه.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۴ش)، «پیشگامان فقه تطبیقی»، *مجله کیهان اندیشه*، شماره ۵۹.

دوره‌سازی فقه تطبیقی در میان مذاهب اهل سنت / ۱۷۱

- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م)، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین.
- حاجی خلیفه، مصطفی (۱۹۹۰م)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت: دارالفکر.
- حسن بن زین الدین (۱۳۶۲ش)، معالم الدین و ملاذ المجتهدین یا معالم الاصول، اهتمام مهدی محقق، تهران: دانشگاه مک گیل شعبه تهران با همکاری وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- حکیم، سید محمدتقی (۱۴۲۸ق)، الاصول العامه للفقہ المقارن، قم: انتشارات ذوی القربی.
- خضری‌بک، محمد (۱۹۹۲م)، تاریخ التشریح الاسلامی، تعلیقه زهیر شفیق الکی، بیروت: دارالفکر العربی.
- حسینی قزوینی (۱۳۸۵ش)، درس خارج فقه مقارن.
- الدینی، محمد فتوحی (۱۹۹۴م)، بحوث مقارنه فی الفقه الاسلامی و اصوله، بیروت: مؤسسه الرساله.
- السایس، محمدعلی (بی‌تا)، تاریخ الفقه الاسلامی، مصر: محمد علی صبیح و اولاده، جامعه الازهریه کلیه الشریعه.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۰ش)، «مصاحبه آیت‌الله سبحانی»، مجله حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴.
- الشافعی، محمد بن ادیس (۲۰۰۵م)، الام، بیروت: دار ابن حزم.
- الشعرانی، عبدالوهاب (۲۰۰۴م)، المیزان الکبری، القاہره: مکتبه الثقافه الدینیہ.
- طباره، عفیت عبدالفتاح (۱۹۸۲م)، روح الدین الاسلامی، بیروت: دار العلم للملایین، چ بیست و دوم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۹۹۹م)، اختلاف الفقہاء، بیروت: منشورات بیضون دارالکتب العلمیہ.
- الظاهری، احمد بن حزم الاندلسی قرطبی (۱۹۹۶م)، المحلی، احمد محمد شاکر، بیروت: دارالآفاق الجدیدہ.
- عرفه، محمد (۱۹۵۵م)، «کیف يستعيد المسلمون وحدتهم وتناصرهم»، رساله الاسلام، سال هفتم، شماره ۲۸.
- عسکری، سید مرتضی (۱۳۶۳ش)، مقدمه مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
- عسکری، سید مرتضی (۱۴۲۶ق)، معالم المدرستین، مرکز النشر للمجمع العالمی لاهل البيت علیہ السلام.
- کبارہ، عبد الفتاح (۱۴۱۸ق)، الفقه المقارن، بیروت: دارالفنائس.
- محمود، محمد عبداللطیف (۲۰۰۰م)، الاختلافات الفقہیہ لدى الاتجاهات الاسلامیہ المعاصرہ، بی‌جا: دارالوفاء.

مذکور، محمد سلام (۱۳۹۳ق)، *مناهج الاجتهاد فی الاسلام فی الاحکام الفقهیه و العقائدیہ*، جامعه الكويت.

مصری، ابن منظور (بی تا)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵ش)، *دایرة المعارف فقه مقارن*، جمعی از محققان، قم: مدرسه الامام علی علیه السلام.

الملا، عبدالاله بن محمد (۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م)، *تاریخ التشريع الاسلامی الفقه و اصوله و قواعدہ*، جامعه ملک فیصل.

شرف الدین، سید عبدالحسین الموسوی (۱۴۰۴ق)، *النص و الاجتهاد*، محقق ابومجتبی، قم: المطبعه سیدالشهداء.

النووی، محی الدین ابی زکریا یحیی بن شرف (۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م)، *المجموع شرح المہذب، المہذب للامام ابی اسحق ابراهیم بن علی بن یوسف الشیرازی*، به تحقیق هشت نفر، بیروت: منشورات محمد علی بیضون.

شاخت، ژوزف (بی تا)، *مدخل «اختلاف»*، از *دایرة المعارف اسلام*، جلد سوم.